

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حج تمتع

نویسنده: یاسین تمیمی استاد راهنما: حجت الاسلام خطیبی

أذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

عمره تمتع و حج تمتع از بحث‌های مهم و جنجال برانگیز در صدر اول اسلام بوده است که توسط خداوند، تشریح شد و پیامبر به آن دستور دادند.

در قبل از اسلام، عمره تمتع بزرگترین گناه، نزد مشرکین آن زمان محسوب می‌شد. اما اسلام به آن دستور داد و آن را تشریح نمود. بعد از پیامبر، عمر بن خطاب به صراحت اعلام کرد، من از آن نهی می‌کنم و کسی که آن را انجام بدهد، تازیانه می‌زنم و مجازات می‌کنم. خلفای بعد از او نیز، از راه او تبعیت کردند و سنت پیامبر را زیر پا گذاشتند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و صحابه به مبارزه با تغییر سنت رسول خدا، توسط عمر و خلفای بعد از او پرداختند و این حکم اسلام را در بین مسلمانان جا انداختند.

این مقاله که خلاصه بحث «متعه حج» کتاب معالم المدرستین، آیت‌الله علامه عسکری، باشد به تبیین این مسأله پرداخته تا نگاه دقیق و کلی به بحث متعه حج در نزد فریقین داشته باشیم.

کلید واژه ها

متعه حج، عمره تمتع، عمر بن خطاب، سنت پیامبر، صحابه، اهل بیت (علیهم‌السلام)

مقدمه

از واجباتی که مسلمانان در صورت حاصل شدن شرایط - موظف به انجام آن هستند، مسأله حج است. حج به سه صورت مختلف که عبارت باشند از: الف) حج تمتع ب) حج افراد ج) حج قرآن؛ انجام می‌شود. اینها انواع حج نزد مسلمانان است. متعه حج که در ضمن حج تمتع انجام می‌گیرد، در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام می‌شد.^۱ اما عمر دو متعه حج و نساء را حرام کرد و این اقدام او از مسائل اجتهادی خودش، شمرده می‌شود. او می‌گوید:

«دو متعه بود که در زمان رسول خدا انجام می‌شد و من از آن دو نهی می‌کنم و بر انجام آن کیفر می‌دهم: متعه حج و متعه نساء»^۲

خلاصه آنکه عمر در دو حکم اسلامی اجتهاد نموده و با نظر شخصی خودش آنها را حرام کرد. در این مجال، بحث ما درباره متعه حج است که عمر آن را حرام کرد تا به زوایای آن پی ببریم.

۱. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۴۶؛ زاد المعاد، ج ۲، ص ۲۰۵؛ المغنی، ج ۷، ص ۵۲۷؛ المعلى، ج ۷، ص ۱۰۷؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۱۶۷؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۲۹۳ و ۲۹۴

۲. همان

معنای حج تمتع و متعه حج

این حج بر کسانی که در محدوده مسجدالحرام نباشند، واجب می‌شود. حاجی در ماه‌های حج، مُحرم به عمره حج می‌شود: ابتدا تلبیه می‌گوید و به مکه می‌آید، هفت بار طواف، دو رکعت نماز طواف، هفت بار سعی میان صفا و مروه، تقصیر می‌کند و در نهایت از احرام بیرون می‌آید و همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود. سپس تا روز هشتم ذیحجه در مکه مقیم می‌ماند و دوباره مُحرم می‌شود. ابتدا به عرفات، پس از غروب روز نهم به مشعر و از آنجا به منا می‌رود. قربانی می‌کند و با تقصیر از احرام خارج می‌شود و دیگر مناسک حج را به جای می‌آورد. این حج را حج تمتع و عمره آن را عمره تمتع می‌نامند.

حاجیان در بین ۲ احرام عمره و حج مُحلّ می‌شوند و از آنچه بر آنها حرام بود، بهره می‌جویند، لذا به فاصله مُحل شدن بین دو احرام، متعه حج می‌گویند.

حج تمتع در قرآن

خداوند متعال در آیه ۱۹۶ سوره بقره، تمتع جستن با عمره حج را، برای کسانی که اهل مکه و حرم نباشند و ایمن باشند، تشریح فرموده است. این حکمی است که همه مفسران و علما بر آن اجماع دارند و خلافتی در آن نیست.

حج تمتع در سنت

عمران بن حصین می‌گوید:

«آیه متعه در کتاب خدا نازل شد و ما با رسول خدا انجامش دادیم و قرآن به حرمت آن نازل نشد و پیامبر تا واپسین دم حیات از آن نهی نفرمود.»^۱

تاریخچه حج و عمره تمتع (بخش اول)

۱- قبل از اسلام؛ مشرکان

رسم قریش و سنت آنها این بود که عمره را باید در غیر ماه‌های حج، انجام داد و انجام آن در ماه‌های حج را بدترین گناه می‌دانستند و ماه مُحرم را صفر به حساب می‌آوردند تا با سه ماه حرام پی در پی مواجه نشوند و برای غارت در تنگنا قرار نگیرند. لذا می‌گفتند: «هرگاه ماه صفر به آخر رسید، انجام عمره برای عمره گذار، حلال می‌شود.»^۲

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۷۱؛ سنن بیهقی، ج ۵، ص ۱۹

۲. صحیح مسلم، حدیث ۱۹۸؛ مسند احمد، ج ۱، صص ۲۴۹ و ۲۵۲؛ زادالمعاد، ج ۱، ص ۲۰۹؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۲؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۰۹

۲- بعد از اسلام؛ دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

الف) بیان حکم

پیامبر برای بیان حکم عمره تمتع به تدریج پیش رفت. پیامبر در مکان‌های مختلفی مانند: وادی الحقیق، وادی عسفان، سرف، بطحاء و صفا و مروه حکم عمره تمتع را بیان کردند.

به عنوان مثال، عمر می‌گوید در وادی العقیق از پیامبر شنیدم که می‌فرمود:

«فرستاده‌ای از پروردگرم نزد من آمد و گفت: در این وادی مبارک نماز بگزار و بگو: یک عمره در یک حج داخل است.»

در روایت دیگری می‌گوید:

«عمره تا روز قیامت، داخل در حج شد»^۱

ب) اطاعت عده‌ای صحابه

از جمله کسانی که در این حکم شرعی از پیامبر اطاعت کردند، می‌توان به همسران پیامبر و بعضی از صحابه اشاره کرد؛ به عنوان مثال در روایت آمده که پیامبر فرمود:

«هرکس قربانی به همراه ندارد، از احرام بیرون آید و کسانی که قربانی به همراه نداشتند از احرام بیرون آمدند و زنان حضرت نیز که قربانی به همراه نداشتند، از احرام بیرون آمدند.»^۲

ج) مخالفت عده‌ای از صحابه

اما عده‌ای در این میان از این حکم الهی که پیامبر به مردم ابلاغ کرد، خودداری کردند و این برای آنها گران آمد؛ جابر می‌گوید:

«با نیت حج، همراه رسول خدا احرام بستیم و چون به مکه رسیدیم، فرمود تا از احرام برون آییم و آن را عمره قرار دهیم که این کار بر ما گران آمد...»^۳

و عده‌ای دیگر از صحابه با وقاحت و بی‌شرمی تمام به پیامبر گفتند:

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۸۶ و ج ۴، ص ۱۷۷؛ سنن ابن داود، ج ۲، ص ۱۵۹؛ سنن ابن ماجه ح ۲۹۷۶؛ ابن تیمیه، ح ۲۴۲۷؛ صحیح مسلم، ح ۱۲۱؛ ننی بیهقی، ج ۵، صص ۴ و ۶

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۸۹؛ صحیح مسلم، ح ۱۲۸.

۳. صحیح مسلم، ص ۸۸۲، ح ۱۳۸

«یا رسول الله! آیا انسان به منا برود و از آلتش منی بچکد؟...»^۱

بعد از این ماجرا عائشه نقل می‌کند که پیامبر نزد من آمد. گفتم:

«یا رسول الله چه کسی شما را به خشم آورده که خدا به جهنمش اندازد؟! فرمود: مگر متوجه نشدی که مردم را به کاری فرمان دادم و آنها در انجامش تردید می‌کنند؟!»

سپس پیامبر به خطبه برخاسته و فرمودند:

«شما خوب می‌دانید که من باتقواترین و راستگوترین شمایم، و اکنون اگر قربانی به همراه نداشتم، به مانند شما از احرام بیرون می‌آمدم؛ پس از احرام بیرون آید که اگر من هم در ابتدای راه بودم، قربانی با خود نمی‌آوردم...»^۲

در نتیجه چون این حکم خداوند متعال و دستور پیامبر، مخالف با عادات عصر جاهلی بود، با اکراه آن را پذیرفتند و صحابه‌ای که به مخالفت با این حکم پرداختند از مهاجران قریشی بودند، چون در جاهلیت به یک شیوه دیگر عمره می‌گذاشتند و دلیل دیگر اینکه تا مردم ۲ بار به مکه بروند، یکبار برای حج و یک برای عمره؛ چون ۲ بار به مکه رفتن مردم در طول سال، بهار قریش بود و نهی از عمره تمتع را حاکمان قبیله قریش، بعد از پیامبر، تثبیت کردند.

۳- بعد از اسلام؛ دوران ابوبکر

اولین کسی که بعد از پیامبر حج را از عمره جدا کرد و حج تنها به جای آورد، ابوبکر بود. راوی می‌گوید:

«با ابوبکر حج گزاردم و او حج تنها به جای آورد...»^۳

۴- بعد از اسلام؛ دوران عمر

الف) تغییر حکم الهی و سنت پیامبر

جابر می‌گوید:

«هنگامی که عمر به حکومت رسید، مردم را مخاطب ساخت و گفت: رسول خدا همان رسول الله است و قرآن همان قرآن. دو متعه در فرمان رسول خدا جاری بود و من اکنون از جریان هردو نهی می‌کنم!!! یکی از آنها متعه نساء ... و دیگری متعه حج است؛ حجتان را از عمره جدا سازید که این کار حج شما و عمره شما را کاملتر می‌کند.»^۴

۱. صحیح مسلم، ص ۸۸۴، ح ۱۴۲؛ زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۴۸، المنتقی ح ۲۴۲۶

۲. صحیح مسلم، ص ۸۸۳، ح ۱۴۱؛ فتح الباری، ج ۱۷، صص ۱۰۸ و ۱۰۹، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۵۶

۳. سنن بیهقی، ج ۵، ص ۵؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۲۳

۴. سنن بیهقی، ج ۷، ص ۲۰۶

ب) علت تغییر حکم الهی و سنت نبوی

عمر از انجام عمره در ماه‌های حج نهی کرد و گفت:

«من خودم آن را همراه رسول خدا انجام دادم ولی حالا از آن نهی می‌کنم چون: برخی از شما در ماه‌های حج ژولیده و خسته به عمره می‌آید و ژولیدگی و خستگی لبیک گوئی‌اش تنها در عمره است، سپس وارد می‌شود و طواف بیت می‌گردد و از احرام به در می‌آید و جامه می‌پوشد و بوی خوش استعمال می‌کند و با اهل خود، اگر با او باشند، در می‌آمیزد تا روز ترویبه فرا رسد و نیت حج کند و به منا برود و لبیک حج را گوید که نه ژولیدگی دارد و نه خستگی مگر یک روز! حال آنکه حج افضل از عمره است و اگر آنها را به حال خود بگذاریم در زیر این درختچه‌های اراک با همسرانشان در می‌آمیزند و این درحالیست که ساکنان بیت‌الله را نه پستان شیردهی است و نه کشتزار حاصل خیزی و ربیع و بهار آنها به دست کسانی است که بر آنها وارد می‌شوند.»^۱

ج) مجازات عاملین به سنت پیامبر و مخالفین با دستور عمر

اما کسانی که به سنت پیامبر عمل می‌کردند و با دستور عمر مخالفت می‌کردند، عمر آنها را مجازات می‌کرد و می‌گفت:

«دو متعه بود که در زمان رسول خدا انجام می‌شد و من از آن دو نهی می‌کنم و بر انجام آن کیفر می‌دهم: متعه حج و متعه نساء»^۲

و در روایتی دیگر مجازات آنها را معرفی می‌کند:

«... من از متعه نساء و متعه حج، نهی می‌کنم و بر انجام آن تازیانه می‌زنم.»^۳

د) مخالفین با حکم عمر از صحابه

ابن کثیر درباره عمر می‌گوید:

«صحابه رضی‌الله عنهم به وفور از او بیمناک بودند و جرأت مخالفتش را نداشتند.»^۴

اما در بحث متعه حج ما فقط شاهد مخالفت حضرت علی (علیه السلام) هستیم که با عمر در این مسأله مخالفت می‌کند:

۱. کنز العمال، ج ۵، ص ۸۶؛ حلیة الأولیاء، ج ۵، ص ۲۰۵

۲. کنز العمال، ج ۸، صص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۴۶؛ المحلی، ج ۷، ص ۱۰۷.

۳. احکام القرآن، جصاص، ج ۱، ص ۲۷۹؛ المحلی، ج ۷، ص ۱۰۷.

۴. تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۴۱.

علی ابن ابی طالب به عمر گفت: «از متعه نهی کرده ای؟! گفت: نه. ولی می خواستم تا بیت الله بیشتر زیارت شود. و علی گفت: کسی که حج افراد گزارد، نیکوست و کسی که حج تمتع گذارد، مسلما به کتاب خدا و سنت پیامبرش عمل کرده است.»^۱

و پس از نهی عمر بود که انجام حج تنها، سنتی عمری شد و خلفای قریش از جمله آنها عثمان، بدین سنت اقتدا کردند.

۵- بعد از اسلام، دوران عثمان

الف) بیان حکم:

راوی می گوید: در حجه بود با عثمان بودیم که سخن از عمره تمتع به میان آمد و عثمان گفت:

«حج و عمره کامل آن است که هر دو در ماه های حج انجام نشوند، پس اگر عمره را به تأخیر اندازید تا این خانه را دوبار زیارت کنید، افضل و برتر باشد ...»^۲

و در روایتی دیگر از حضرت علی (علیه السلام) به عثمان می گوید:

«... آیا این خبر که تو از تمتع نهی می کنی صحیح است؟ عثمان گفت: آری! و علی گفت پس نشنیدی که رسول خدا تمتع به جای آورد؟ گفت: چرا!»^۳

ب) علت حکم عثمان به نهی از عمره تمتع

عثمان ضمن یک اعتراف عجیب علت نهی از عمره تمتع را اینچنین بیان می کند:

«عثمان از متعه نهی می کرد و علی بدان فرمان می داد. عثمان به علی جمله ای گفت و علی گفت: تو خوب می دانی که ما با رسول خدا، عمره تمتع به جا آوردیم. عثمان گفت: آری، ولی ما خائف بودیم!!!»^۴

در پایان این روایت، شعبه به قتاده می گوید:

«خوف آنها چه بود؟ گفت: نمی دانم.»^۵

ابن کثیر می گوید:

۱. سنن بیهقی، ج ۵، ص ۲۱

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۹۲، ح ۷۰۷؛ ذخائر الموارث، ص ۴۱۶.

۳. مستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۷۲؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۵۷، ح ۴۰۲؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۵

۴. صحیح مسلم، ص ۸۹۶، ح ۱۵۸؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۹۷، ح ۷۵۶

۵. همان

«و من نمی دانم این خوف بر چه چیز قابل حمل است و از چه جهتی بوده است؟!»^۱

این خوف را نه قتاده فهمید، نه ابن کثیر فهمید و نه ما فهمیدیم. در حالیکه در آخرین سال حیات رسول خدا، پیامبر به عمره تمتع دستور داد؛ یعنی در سال گسترش اسلام و نابودی همیشگی شرک در شبه جزیره عربستان!

ج) مجازات عاملین به سنت پیامبر و مخالفین با دستور عثمان

عثمان در برابر کسانی که از دستورش نسبت به عمره تمتع سرپیچی می کردند، به ۳ صورت برخورد می کرد:

اول: نرمی و مسامحت

«... عثمان رو به مردم کرد و گفت: مگر من از آن نهی کردم؟ من که از آن نهی نکردم، این تنها یک نظری بود که بدان اشارت کردم تا هر که خواهد بدان عمل کند و هر که خواهد، رهاش سازد.»^۲

دوم: غلظت و درشتی

«... عثمان از عمره یا متعه نهی می کرد، علی گفت: برای چه امری را که رسول خدا انجام داده، هدف گرفته و از آن نهی می کنی؟ عثمان گفت ما را رها کن! گفت: نمی توانم تو را رها کنم. و بعد علی که چنین دید، لبیک هر دو را با هم سر داد.»^۳

سوم: برخورد فیزیکی

«به عثمان خبر رسید که مردی نیت عمره و حج توأمان می کند، گفت نزد من بیاورید. و چون آوردند تازیانه اش د و سرش را تراشید»^۴

د) مخالفان با حکم عثمان

حضرت علی (علیه السلام) نخستین آغازکننده مخالفت با دستور عثمان بود و آشکارا به مخالفت با ان درخواست و همراهان و اصحابش را به عمره تمتع فرمان داد:

«عثمان برای انجام حج حرکت کرد، در بخشی از راه به علی خبر دادند که عثمان اصحاب خود را از انجام عمره تمتع همراه با حج نهی کرده است. علی به اصحابش گفت: هرگاه حرکت کرد، حرکت کنید و بعد علی و اصحابش لبیک عمره گفتند و عثمان به آنها چیزی نگفت...»^۵

۶- بعد از اسلام؛ دوران امام علی (علیه السلام)

۱. تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۳۷

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۹۲، ح ۷۰۷؛ ذخائر الموارث، ص ۴۱۶

۳. صحیح مسلم، ص ۸۹۷، ح ۱۵۹؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۹۰، مسند طیالسی، ج ۱، ص ۱۶

۴. المحلی، ج ۷، ص ۱۰۷

۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۶۰، ح ۴۲۴

حضرت علی (علیه اسلام) در زمان عمر و عثمان بر اقامه سنت پیامبر پای می فشرد و بدیهی است که اقامه آن در دوران خودش، معارضی هم نداشت، بیشتر بر آن پای می فشرد و بدین جهت در زمان خلافتش زمینه ای برای بحث پیرامون عمره تمتع نبود تا برای ما روایت شود و در کتب حدیث قرار گیرد.

۷- بعد از اسلام؛ دوران معاویه

الف) بیان حکم

ابن عباس می گوید:

«این معاویه مردم را از متعه نهی می کند؛ درحالیکه پیامبر، تمتع به جای آورد.»^۱

معاویه برای نهی از عمره تمتع به دو کار دست زد:

اول: جعل حدیث بر زبان پیامبر؛

معاویه به گروهی از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفت: «... آیا می دانید پیامبر از انجام توأمان حج و عمره نهی کرده است؟ گفتند: خداوندا! نه! گفت: به خدا سوگند که این هم با آنهاست!»^۲

ابن قیّم درباره این دروغ معاویه می گوید:

«و ما نیز خدا را گواه می گیریم که این وهم و خیال معاویه است یا دروغی بسته شده بر او و رسول خدا هرگز از انجام آن نهی نکرده است.»^۳

دوم: تمسک به سیره عمر و ترک سیره رسول خدا؛

«...معاویه از سعد بن مالک پرسید چگونه عمره تمتع را با حج روا می داری؟ گفت: حسنه ای زیباست. معاویه گفت: عمر از آن نهی می کرد، آیا تو از عمر برتری؟! او گفت: عمر از من برتر بود ولی پیامبر آن را انجام داد و او از عمر برتر بود.»^۴

ج) مخالفان با حکم معاویه

۱- ابن عباس

۱. سنن نسائی، باب التمتع

۲. سنن بیهقی، ج ۵، ص ۲۰؛ سنن ابی داود، ص ۱۵۷؛ کجمع الزوائد، ج ۳، ص ۲۳۶

۳. زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۲۹

۴. سنن دارمی، ج ۲، ص ۳۵

در صفحه قبل، ذیل بیان حکم به روایت ابن عباس و مخالفت اجمالی او در زمان معاویه اشاره کردیم.

۲- سعد بن مالک

در صفحه قبل ذیل عنوان «تمسک به سیره عمر و ترک سیره رسول خدا» به نظر سعد بن مالک و مخالفت او با معاویه اشاره کردیم.

۳- سعد بن ابی وقاص

سعد بن ابی وقاص چون خود را فاتح عراق و بازمانده شورای شش نفره عمر برای خلافت می دانست در مکان های مختلف به معارضه با معاویه پرداخت که یکی از آنها عمره تمتع است؛ غنیم بن قیس گوید:

«از سعد بن ابی وقاص درباره متعه پرسیدم و او گفت: ما آن را انجام دادیم و این [معاویه] امروز کافر به عرش است.»^۱

آنها واژه «عرش» را «عُرْش» دانسته اند تا جمع عُرْش به معنای خانه های مکه باشد در حالیکه شاید سعد آن را «عَرَش» تلفظ کرده است و مرادش آن بوده که در آن زمان معاویه به پروردگار عرش، کافر بوده است.

۴- مخالفت بعضی از صحابه

در صفحه قبل، ذیل مطلب «جعل حدیث بر زبان پیامبر» بیان شد.

۸- بعد از اسلام؛ دوران عبدالله بن زبیر

ابن زبیر از ده سال در مکه حکومت کرد و همراه برادرش «عروه» در بازداشتن مسلمانان از انجام عمره تمتع، تلاش بسیاری کرد.

الف) بیان حکم

در صحیح مسلم آمده است که:

«... و ابن زبیر از آن [عمره تمتع] نهی می کرد.»^۲

در روایتی دیگر از عروه بن زبیر، حکم متعه را این چنین بیان می کند:

۱. صحیح مسلم، ص ۸۹۸، ح ۱۶۴؛ المنتقمی، ح ۲۳۸۶؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۵، صص ۱۲۷ و ۱۳۵

۲. صحیح مسلم، ص ۸۵۵، ح ۱۴۵

«عروه بن زبیر به مردی از اصحاب رسول خدا گفت: مردم را در این روزهای ده گانه به انجام عمره فرمان می دهی، حال آنکه در آنها عمره ای نیست...!!»^۱

ب) علت حکم عبدالله و برادرش عروه به نهی از عمره تمتع

۱- استدلال به سنت ابوبکر و عمر

«... عمر گفت: در ماه های حج ما را به انجام عمره فرمان می دهی، درحالیکه ابوبکر و عمر از آن نهی کرده اند؟!»^۲

۲- استدلال به فعل ابن عمر

«... آخرین کسی را که دیدم انجامش داد، ابن عمر بود که آن را عمره نقض نکرد، و این ابن عمر هم اکنون در بین آنهاست، چرا از او نمی پرسند؟!»^۳

۳- استدلال به فعل بعضی از صحابه (مادرش؛ اسماء خاله اش عایشه و پدرش زبیر و ...)

عروه در ضمن روایتی در نهی عمره تمتع به فعل بعضی از صحابه استدلال می کند:

«... من خود مادر و خاله ام را دیدم که هنگام ورود به هیچ کاری جز طواف بیت نمی پرداختند و پس از آن از احرام بیرون نمی شدند و نیز مادرم به من خبر داد که او و خواهرش با زبیر و فلان و فلان عمره گذاردند و چون رکن را مسح کردند از احرام بیرون شدند...»^۴

اما آنچه را که عروه در سخن خود به ابن عمر و مادر، خاله، پدرش و بعضی از صحابه نسبت می دهد، در روایات فراوانی از خود این اشخاص تکذیب شده که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

ج) مخالفان با حکم عبدالله و عروه

۱- ابن عباس

ابن عباس در حکم عمره تمتع با عبدالله و برادرش درگیر شد؛ در روایتی که نقل شده آمده است:

^۱ زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۵۷

^۲ مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۲۲۷۷؛ زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۵۱

^۳ صحیح مسلم، صص ۹۰۶ و ۹۰۷، ح ۱۹۰

^۴ همان

«ابن عباس به انجام متعه فرمان می داد و ابن زبیر از آن نهی می کرد.^۱

و در ضمن روایت دیگری با عروه اینگونه درگیر می شود:

«عروه بن زبیر به ابن عباس گفت: ابن عباس! تا کی این مردم را گمراه می کنی؟! ابن عباس گفت: ای عریّه چه شده؟! عروه گفت: در ماه های حج ما را به انجام عمره فرمان می دهی، در حالیکه ابوبکر و عمر از انجام آن نهی می کرده اند؟! ابن عباس گفت: رسول خدا آن را انجام داده است...»^۲

۲- ابن عمر

در روایات مختلفی که از ابن عمر درباره عمره تمتع به ما رسیده است، موضع او را مختلف و متفاوت یافتیم و شاید سبب اختلاف فتوای او، زمان های فتوا بوده است. چنانکه اگر در دوران گذرش و یا عثمان از او می پرسیدند، فتوایی موافق نظر خلفا می داد، اما در دوران ابن زبیر که خلفای اموی با او درگیر بودند، مخالف نظر آنها فتوا می داد. مردی از اهل شام از عبدالله بن عمر درباره عمره تمتع در حج سؤال کرد و عبدالله گفت:

«... آن حلال است...»^۳

۳- جابر بن عبدالله انصاری

ابونضره گوید: نزد جابر بودم که شخصی پیش او آمد و گفت:

«ابن عباس و ابن زبیر درباره دو متعه اختلاف کردند. جابر گفت: این دو متعه را همراه با رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) انجام دادیم...»^۴

۴- اسماء بنت ابی بکر (مادر عبدالله و عروه)

همانطور که در صفحه قبل اشاره کردیم، عروه برای نهی از عمره تمتع به روایتی از مادرش استدلال می کند، اما روایاتی از مادرش هست که قول او را تکذیب می کند. به عنوان نمونه، مسلم قرّی می گوید:

«از ابن عباس درباره حج تمتع پرسیدم و او آن را جایز شمرد و این در حالی بود که ابن زبیر از آن نهی می کرد! ابن عباس گفت: این مادر ابن زبیر است که جواز آن را از رسول خدا روایت می کند. نزد او بروید و از او پرسید! روای می گوید: نزد او رفتیم و زنی درشت و نایبنا دیدیم و او گفت: رسول خدا، آن را اجازه فرمود.»^۵

و در روایت دیگری که از او نقل شده که استدلال عروه را کاملاً باطل می کند؛ می گوید:

۱. همان، ص ۸۵۵، ح ۱۴۵

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۲۲۷۷؛ زادالمعاد، ج ۱، ص ۲۵۱

۳. صحیح مسلم، ص ۹۰۱، ح ۱۷۴؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۱۸۰۵؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۵؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۲۸

۴. صحیح مسلم، ص ۹۱۴، ح ۱۲۴۹

۵. صحیح مسلم، ح ۱۹۴؛ سنن بیهقی، ج ۵، صص ۲۱ و ۲۲

«اسماء هرگاه از حجون می گذشت می گفت: درود و سلام خدا بر رسولش باد. ما با آن حضرت در اینجا فرود آمدیم ... من و خواهرم عائشه و زبیر و فلان و فلان احرام عمره بستیم و چون بیت الله را مسح کردیم، از احرام برون شدیم، سپس در پایان روز احرام، حج بستیم.»^۱

۵- مردی عراقی

محمد بن عبدالرحمن می گوید: مردی عراقی نزد من آمد و گفت از عروه بن زبیر سؤال بپرس که کسی احرام حج ببندد و طواف بیت الله گذارد آیا از احرام برون می شود یا نمی شود؟ و اگر پاسخت داد از احرام برون نمی شود، به او بگو مردی چنین می گوید. گوید: از عروه پرسیدم و گفت: هرکس احرام حج بسته باشد، جز با انجام حج از احرام برون نمی شود. گفتم مردی چنین می گوید. گفت: خیلی بد گفته است. سپس مرد عراقی به دیدار من آمد ... و گفت: به او بگو: مردی خبر می دهد که رسول خدا، آن را انجام داده است و نیز حال اسماء و زبیر که آن را انجام داده اند چه می شود ...»^۲

۶- حسن بصری و عطاء بن ابی رباح

«یا ابا سعید! من مردی خراسانی ام که با زحمت از راه دور آمده و با نیت حج وارد شدم. حسن به او گفت: آن را عمره قرار بده و از احرام برون شو. مردم آن را بر حسن انکار کردند و نظر او در مکه منتشر گردید و آن شخص به نزد عطا آمد و نظر حسن را برای او بازگو کرد و عطاء گفت: آن شیخ، راست گفته ولی ما از بیان آن بیمناکیم.»^۳

این اختلاف تا مدتی در بین طرفداران هردو گروه باقی ماند تا اینکه در عصر ابن زبیر، شاهد پیروزی پیروان و احیاگران سنت رسول الله می شویم. ابن عباس با اعانت دیگر پیروان اهل بیت، قول به «عمره تمتع» را رواج دادند و این مسأله در گیران مکتب خلفاء نیز تسری یافت.

۹- بعد از اسلام؛ دوران بنی عباس

در عصر بنی عباس ترسی که در دوران عطاء بن ابی رباح و حسن بصری بود، از بین رفت و قول به «عمره تمتع» در آن دوران منتشر گردید که شاید علت گسترش این نظر موضع گیری جدشان عبدالله بن عباس باشد و در همین دوران بود که احمد بن حنبل قول به عمره تمتع را بیان نهاد و در بین پیروان مکتب او، رواج یافت و بدین گونه حرج و تنگنای ایجاد شده برای مسلمانان در پیروی از سنت پیامبر تا به امروز، زایل گردید.

احمد بن حنبل

ابن قیم درباره عمره تمتع می گوید:

«این مذهب اهل بیت رسول الله و مذهب عالم امت و دریای آن ابن عباس و پیوان او و مذهب ابوموسی اشعری و مذهب امام اهل سنت و حدیث، احمد بن حنبل و پیروان او، و مذهب اهل حدیث همراه او است.»^۴

۱. صحیح مسلم، ج ۱۹۱ تا ۱۹۳، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۴

۲. صحیح مسلم، ج ۱۹۰؛ شرح نووی، ج ۸، صص ۲۲۱-۲۱۹

۳. المحلی، ج ۷، ص ۱۰۳

۴. زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۴۹

جعل حدیث برای توجیه فعل خلفاء (بخش دوم)

بعضی از احادیث در دوران های متأخر برای توجیه فعل خلفاء در تحریم حج تمتع جعل گردید که مختصراً به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

الف) پیامبر حج تنها انجام داد:

اهل سنت نقل کرده اند که:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) حج را تنها به جای آورد.»^۱ (همانطور که اشاره کردیم)

در حالیکه این سخت درست است اما پیامبر می فرمایند: چون من همراه خودم قربانی آوردم، نمی توانم از احرام بیرون بیایم، مگر اینکه این قربانی را نحر و ذبح کنم.^۲

ب) نهی از عمره توسط پیامبر!

سعید بن مسیب نقل می کند که مردی نزد عمر آمد و گفت:

«در بیماری منجر به فوت رسول خدا، از آن حضرت شنیدم که از انجام عمره پیش از حج نهی کرده است.»^۳

اما نسبت به این روایت، ما نمی دانیم این صحابه چه کسی است و چرا کسی از خلفا به قول این صحابی، استشهاد نکرده اند؟!

ج) متعه حج مختص پیامبر و صحابه است!

حارث بن بلال می گوید گفتیم:

«یا رسول الله! حج فقط برای ما فسخ و جدا شد یا برای همه مردم؟ فرمود: فقط برای ماست!»^۴

احمد بن دربارہ این حنبلی دربارہ این روایت می گوید:

«حدیث بلال بن حارث، نزد من ثابت نیست و من بدان فتوا نمی دهم، چون این شخص را نمی شناسم!»^۵

و ابن قیّم نیز می گوید:

۱. صحیح مسلم، ص ۸۷۵، ح ۱۲۲؛ موطأ مالک، ج ۲، ص ۳۳۵؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۳۶؛ سنن ابن ماجه، صص ۹۸۸ و ۹۸۹؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۳؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۳۶

۲. صحیح مسلم، ص ۹۰۲؛ سنن ابوداود، ج ۲، ص ۱۶۱؛ المنتقی، ح ۲۳۹۳

۳. سنن ابوداود، ج ۲، ص ۱۵۷؛ سنن بیهقی، ج ۵، ص ۱۹

۴. سنن ابوداود، ج ۲، ص ۱۶۱؛ سنن ابن ماجه، ص ۹۹۴؛ المنتقی، ج ۲، ص ۲۳۸

۵. المنتقی، ابن تیمیہ، ج ۲، ص ۲۳۸؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۶۶

«خداوند بر زبان سرافه انداخته تا از آن حضرت سؤال کند که آیا این حکم، اختصاص به آنها دارد؟! و رسول خدا پاسخ دهد که «این حکم الی الأبد برقرار است» و ما نمی دانیم چه چیز را بر این احادیث مقدم بداریم...»^۱

د) پیروی از سنت خلفای راشدین

اما آنچه برای تبعیت از فتوای خلفاء ذکر کرده اند، حدیث زیر است:

«فعلیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدين المهديين، عضواً علیها بالنواجذ»^۲

اما لزوم و تبعیت از سنت خلفای راشدین، صحیح نیست، چون ما در سنت های خلفای راشدین موارد مخالف سنت پیامبر را یافته و می دانیم که رسول خدا، به آن چیزی که مخالف دستورش باشد، فرمان نخواهد داد.

منشأ خلاف و اختلاف (بخش سوم)

قاضی عیاض می گوید: بهترین چیزی که در این باره می توان گفت این است که:

«... پیامبر انجام این سه نوع حج را بر همه مردم مباح فرمود تا دلیل جواز جمیع آنها باشد و اگر به یک نوع فرمان میداد، نوع دیگر غیر مجزی و ناکافی پنداشته می شد. سپس همه آنها به آن حضرت نسبت داده شد و هریک از آنان آنچه را که پیامبر به او فرمان داده و برای او مباح دانسته بود، روایت کرد و آن را به خاطر فرمان او یا با تأویل و اجتهاد خود به آن حضرت نسبت داد...»^۳

مسلمانان در صدر اول دستور به عمره تمتع را از زبان پیامبر اکرم شنیدند و این مسأله رواج پیدا کرد تا اینکه در زمان خلیفه دوم، عمر از آن نهی کرد تا اینکه به عبدالله بن زبیر رسید و این میان تمام خلفا در این مدت به جز امیرالمؤمنین از متعه حج منع کردند. در این میان عده ای برای تأیید سیاست خلفاء شروع به جعل حدیث کردند و مسلمانان دانسته و ندانسته، آنها را، رواج دادند تا به تدریج در شمار احادیث صحیح، قرار گرفت و در زمان عمر بن عبدالعزیز در کتابها، نقل و نوشته شد و به این وسیله اختلاف میان احادیث، نشأت گرفتو الان تمییز بین آن دو ممکن نیست مگر اینکه به سنت پیامبر، پایبند باشیم.

نتیجه

به طور مختصر به معنای حج تمتع، حج تمتع در قرآن و سنت و حج تمتع قبل از اسلام پرداختیم و اشاره نمودیم به اینکه حج تمتع در دوران جاهلیت، ریشه کن شد و خداوند حج تمتع را تشریح فرمود، پیامبر به آن دستور داد و مردم اجرا کردند. اما بعضی از صحابه که اثرات جاهلیت هنوز در آنها وجود داشت به مخالفت با دستور خداوند پرداختند و پیامبر را وادار کردند که بیشتر توضیح بدهد که پیامبر به خطبه برخواستند و این مسأله را با تمام جوانب، تشریح نمودند. اما بعد از

۱. در صفحه دوم به این مطلب اشاره کردیم؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۶؛ صحیح مسلم، ج ۱۴۷

۲. زادالمعاد، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳. مسند احمد، ج ۴، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ سنن دارمی، ج ۱، صص ۴۴ و ۴۵

۴. شرح نووی، ج ۸، صص ۱۳۷ - ۱۳۴

پیامبر، شاهد هستیم که خلفا اجتهاد کردند و حکم خداوند را تغییر دادند و کسانی که به مخالفت با آنها می پرداختند را مجازات می کردند.

اولین خلیفه ای که از آن نهی کرد و نهی خودش را به اجراء در آورد و متخلف از دستورش را مجازات کرد، عمر بن خطاب بود که بعد از آن شاهد تبعیت از سنت عمر، توسط خلفایی همچون عثمان، معاویه، عبدالله بن زبیر هستیم. اما صحابه واقعی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) به مخالفت با تغییر سنت رسول خدا(ص) پرداختند و مردم را به سنت رسول الله دعوت کردند. بعد از آن شاهد ظهور بنی عباس هستیم که به دلیل فتوای جدشان عبدالله بن عباس، با متعه حج مخالفت نکردند و به ترویج آن پرداختند. تلاش ها و مجاهدت های اهل بیت (علیهم السلام) و بعضی صحابه، حرج و تنگنای ایجاد شده برای مسلمانان در پیروی از سنت رسول خدا تا به امروز، زایل گردید.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته